مجله علمی مطالعات پژوهشی در هنر، معماری و شهرسازی آینده، ۱۴۰۵، دوره ۴، شماره ۱، ص ص ۷۰-۷۸

مجله علمی مطالعات پژوهشی

در هنر، معماری و شهرسازی آینده

www.journalhi.com/arc/

نقش میراث فرهنگی و آبدات تاریخی در توسعه اقتصادی افغانستان

نجیب‌الله احدی [۱،*]، محمدالله قویاش [۲]

۱- دیپارتمنت تاریخ، پوهنحی تعلیم و تربیه، پوهنتون جوزجان، افغانستان. ایمیل: najeebullahahadi@gmail.com

۲-دیپارتمنت تاریخ، پوهنحی تعلیم و تربیه، پوهنتون جوزجان، افغانستان.

* نویسنده مسئول

چکیده

افغانستان به عنوان یکی از کهن‌ترین حوزه‌های تمدن جهانی، دارای فرهنگ غنی و آبدات تاریخی متنوع است که هر یک بازتاب‌دهنده هویت این سرزمین محسوب می‌گردد، این تحقیق پیرامون میراث فرهنگی و نقش آن در رشد و توسعه اقتصادی کشور بوده تا به ارزشمندی اقتصادی و ظرفیت‌های بالقوه آن در عرصه توسعه ملی بهتر پی برد، البته میراث فرهنگی و آبدات تاریخی می‌تواند توسعه سیاحت، جذب سرمایه‌گذاری، ایجاد فرصت‌های شغلی و تقویت اقتصاد ملی را بهبود بخشد. چنان‌که معرفی و حفظ آثار تاریخی چون منارجام، منارجنبان، آی‌خانم، تخت رستم، ساحه باستانی شمرق، مسجد نه گنبد، ارگ هرات و سایر شهرهای باستانی می‌تواند افغانستان را به عنوان یک مقصد مهم فرهنگی در سطح منطقه و جهان مطرح سازد، همچنان معرفی و احیای این آثار زمینه‌ساز افزایش عواید ملی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با صنایع دستی، خدمات سیاحتی و تجارت فرهنگی می‌گردد، از سوی دیگر حفاظت و مدیریت این میراث‌ها از اهمیت ویژه‌ی برخوردار بوده و نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، مؤثر و همکاری نهادهای ملی و بین‌المللی می‌باشد، اهداف اساسی تحقیق هذا عبارت از تبیین نقش اقتصادی میراث فرهنگی، بررسی تأثیر آبدات تاریخی بر توسعه پایدار و تحلیل فرصت‌ها و مشکلات موجود در این عرصه تشکیل می‌دهد، برای دستیابی به نتایج مطلوب از روش تحلیل محتوا و استفاده از منابع کتابخانه‌یی و فیش‌برداری استفاده گردیده است، در نتیجه گفته می‌توانیم که میراث فرهنگی و آبدات تاریخی نه تنها بیانگر عظمت تاریخی افغانستان است، بلکه به عنوان یک منبع مهم اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز توسعه پایدار، رشد اقتصادی و بهبود شرایط زنده‌گی مردم گردد.

کلمات کلیدی: آبدات تاریخی، توسعه اقتصادی، عواید ملی و میراث فرهنگی

The Role of Cultural Heritage and Historical Monuments in the Economic Development of Afghanistan

Najibullah Ahadi [1,*], Mohammadullah Qoyash [2]

1- Department of History, Faculty of Education, Jawzjan University, Afghanistan. Email: najeebullahahadi@gmail.com
2-Department of History, Faculty of Education, Jawzjan University, Afghanistan.
* Corresponding Author

Abstract

Afghanistan, as one of the oldest centers of civilization in the world, possesses a rich cultural heritage and diverse historical monuments, each of which represents an important aspect of the historical and cultural identity of the country. This study examines cultural heritage and its role in the economic growth and development of Afghanistan, with the aim of assessing its economic value and potential capacities for national development. Cultural heritage and historical monuments can contribute to economic development through the expansion of tourism, attraction of investment, creation of employment opportunities, and strengthening of the national economy. The introduction and preservation of monuments such as the Minaret of Jam, Minar-e-Jam, Ai-Khanoum, Takht-e Rostam, the ancient site of Shamarq, the Nine-Domed Mosque, the Citadel of Herat, and other ancient cities can help establish Afghanistan as an important cultural destination at the regional and international levels. Furthermore, the promotion and revitalization of these sites can contribute to increased national revenues and the expansion of economic activities associated with handicrafts, tourism services, and cultural trade. On the other hand, the preservation and management of this heritage are of particular importance and require careful and effective planning as well as cooperation among national and international institutions. The main objectives of this study are to explain the economic role of cultural heritage, examine the impact of historical monuments on sustainable development, and analyze the existing opportunities and challenges in this field. To achieve the research objectives, content analysis was employed, together with library-based sources and note-taking techniques. The findings indicate that cultural heritage and historical monuments not

مجله علمی مطالعات پژوهشی
در هنر، معماری و شهرسازی آینده
www.journalhi.com/arc/

only represent the historical grandeur of Afghanistan but can also serve as an important economic resource for promoting sustainable development, economic growth, and improved living conditions for the population.

Keywords: Historical Monuments, Economic Development, National Revenues, Cultural Heritage, Cultural Tourism, Sustainable Development

مقدمه

نخست آن اقدس الهی را سپاس بیکران باد که سزاوار ستایش بوده و درود بی پایان به سرور کائینات حضرت محمد صل الله علیه و سلم وآلاصحاب آن.

کشور باستانی افغانستان از اعصار قدیم مدنیت‌های درخشان و پر بار را بر دوش داشته از ادوار ما قبل‌التاریخ تا کنون گذرگاه فرهنگی، تجاری و مهد تمدن‌ها بوده است. اندیشه‌های اخلاقی، فرهنگی، دینی و مذهبی در دامان آن پرورش یافته و رجال مقدر سیاسی و فرهنگی در روند تکامل تاریخ از این سرزمین ظهور نموده که یکی از مراکز آمیزش، اختلاط و انتشار نظریات ادبی، هنری، فلسفی و مذهبی به شمار می‌رود (نزهت، ۱۴۰۳، ص ۱۴۱). به همین ارتباط این سرزمین با داشتن موقعیت استراتیژیک در مسیر راه‌های تجاری و فرهنگی، به ویژه در امتداد جاده ابریشم، همواره محل تلاقی فرهنگ‌ها و تبادل اندیشه‌ها بوده و از همین رهگذر، آثار تاریخی ارزشمندی در آن شکل‌گرفته است. قابل‌تذکر است که این میراث‌ها نه تنها بازتاب‌دهنده هویت تاریخی و فرهنگی جامعه افغانستان است، بلکه از دیدگاه اقتصادی نیز دارای اهمیت ویژه بوده و می‌تواند به عنوان منابع بالقوه در راستای توسعه اقتصادی کشور مورد استفاده قرار گیرد، در شرایط کنونی که توسعه پایدار به عنوان یک ضرورت اساسی مطرح است، بهره‌برداری علمی و هدفمند از میراث فرهنگی و آبدات تاریخی می‌تواند نقش مهمی در رشد سیاحت صنعتی، ایجاد فرصت‌های شغلی، افزایش عواید ملی و تقویت اقتصاد محلی ایفا نماید. هم‌چنان موجودیت آبدات تاریخی در شهرهای مهمی چون کابل، هرات، بامیان، غزنی، سمنگان، بلخ و سایر ولایات کشور نشان‌دهنده ظرفیت‌های عظیم اقتصادی و فرهنگی افغانستان بوده که در صورت مدیریت سالم و حفاظت مؤثر، می‌تواند کشور را به یکی از مراکز مهم سیاحت فرهنگی در سطح منطقه مبدل سازد. بنابر این پرداختن به نقش میراث فرهنگی و آبدات تاریخی در توسعه اقتصادی افغانستان از اهمیت ویژه برخوردار بوده و بررسی علمی این موضوع می‌تواند راهکارهای مؤثری را برای استفاده بهینه از این سرمایه‌های ملی فراهم سازد.

مهم‌ترین مسأله‌ی را که این تحقیق بدان پاسخ‌گو می‌باشد، این است که نقش میراث فرهنگی و آبدات تاریخی در روند توسعه اقتصادی افغانستان چگونه تبیین می‌گردد و تا چه اندازه سرمایه‌های فرهنگی می‌توانند در رشد اقتصاد ملی، تقویت سیاحت و بهبود وضعیت معیشتی مردم مؤثر واقع شود، هم‌چنان این تحقیق در صدد آن است تا روشن سازد که چگونه می‌توان با بهره‌گیری علمی و مدیریت اصولی از این میراث‌ها، ظرفیت‌های نهفته اقتصادی را فعال ساخته و افغانستان را به عنوان یک مرکز مهم سیاحتی در سطح منطقه معرفی نماید، از سوی‌دیگر این تحقیق روشن می‌سازد تا میزان تأثیر حفاظت و احیای آبدات تاریخی را بر توسعه پایدار اقتصادی مورد بررسی قرار داده و درک نماید که بی‌توجهی به این آثار تا چه حد می‌تواند روند رشد اقتصادی کشور را با مشکل مواجه سازد، بناءً هدف اساسی این مسأله آن است تا اهمیت اقتصادی میراث فرهنگی به گونه علمی برجسته گردیده و نقش آن در پیوند میان گذشته تاریخی و آینده اقتصادی افغانستان به صورت واضح و قابل درک تبیین شود.

بنابر آن می‌توان با استناد قرار دادن چهار سؤال زیرین برای تبیین این نبشته بپردازیم:

۱. میراث فرهنگی و آبدات تاریخی افغانستان چگونه می‌تواند در رشد و توسعه اقتصادی کشور نقش ایفا نماید؟
۲. چه رابطه‌یی میان توسعه سیاحت و افزایش عواید ملی در افغانستان وجود دارد؟
۳. مدیریت و حفاظت علمی آبدات تاریخی تا چه اندازه در جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت‌های شغلی مؤثر است؟
۴. مهم‌ترین معضلات و فرصت‌ها در بهره‌برداری اقتصادی از میراث فرهنگی و آبدات تاریخی افغانستان کدام اند؟

بدین ترتیب موارد ذیل را به عنوان فرضیه می‌توان طرح نمود: به‌نظر می‌رسد که میراث فرهنگی و آبدات تاریخی افغانستان در صورت مدیریت علمی، حفاظت مؤثر و بهره‌برداری هدفمند، می‌توانند به عنوان یک منبع مهم عایداتی عمل نموده و در رشد و توسعه پایدار اقتصادی کشور نقش اساسی ایفا نماید.

همین‌طور موارد ذیل را می‌توان به عنوان اهداف اساسی این تحقیق دانست، تا با بررسی علمی نقش میراث فرهنگی و آبدات تاریخی در توسعه اقتصادی افغانستان، ابعاد مختلف تأثیرگذاری این منابع ارزشمند بر رشد اقتصاد ملی روشن گردد، این تحقیق در پی آن است تا ظرفیت‌های اقتصادی میراث فرهنگی را در عرصه‌های تورستی، تولید کار و افزایش عواید ملی شناسایی نموده و زمینه‌های بهره‌برداری مؤثر و پایدار از آن‌ها را

تبیین نماید، همچنان تلاش صورت می‌گیرد تا اهمیت حفاظت و مدیریت علمی این آبدات در تقویت زیرساخت‌های اقتصادی مورد تحلیل قرار گرفته و با ارائه یک دیدگاه منظم، نقش این میراث‌ها در پیوند میان توسعه فرهنگی و اقتصادی کشور به گونه واضح و مستند مشخص گردد.

مبنای منطقی اهمیت موضوع تحقیق هذا در این است که پرداختن به نقش میراث فرهنگی و آبدات تاریخی در توسعه اقتصادی افغانستان از آن جهت حایز اهمیت است که این منابع به عنوان سرمایه‌های غیرقابل تجدید ملی، ظرفیت‌های گسترده‌یی برای ایجاد تحول در ساختار اقتصادی کشور فراهم می‌سازد، در شرایطی که افغانستان با مشکلات اقتصادی و محدودیت منابع صنعتی مواجه است، اتکا بر میراث فرهنگی می‌تواند به عنوان یک بدیل مؤثر در تنوع‌بخشی به اقتصاد و کاهش وابسته‌گی به منابع محدود عمل نماید، همچنان بررسی علمی این موضوع زمینه را برای درک بهتر از نحوه استفاده معقول و پایدار از این سرمایه‌ها فراهم ساخته و می‌تواند به سیاست‌گذاران در تدوین برنامه‌های مؤثر اقتصادی کمک نماید، از سوی دیگر توجه به این حوزه نه تنها به رشد اقتصادی منجر می‌گردد، بلکه در حفظ هویت فرهنگی، تقویت همبسته‌گی اجتماعی و معرفی افغانستان در سطح بین‌المللی نیز نقش برجسته‌یی ایفا می‌کند، بناءً اهمیت این موضوع در آن است که می‌تواند پیوندی معنادار میان میراث تاریخی و نیازهای اقتصادی معاصر ایجاد نموده و مسیر جدیدی را برای توسعه پایدار کشور ترسیم نماید. بناءً به منظور انعکاس این داده‌ها تحقیقات علمی هذا از اهمیت والایی برخوردار می‌باشد.

در بخش پیشینه‌ی تحقیق، استدلال بر این است که آثار و آبدات تاریخی افغانستان از جمله مباحث مهم و گسترده در حوزه تاریخ و باستان‌شناسی به شمار می‌رود که مورد توجه محققان متعدد قرار گرفته است که می‌توان به داده‌های زیر اشاره نمود:

محمد نسیم نزهت در مقاله‌ی خویش تحت عنوان «نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی در ساحه مس عینک» منتشره سال (۱۴۰۳)، اهمیت کاوش‌های علمی را در بازسازی تاریخ تمدنی کشور برجسته ساخته و نقش این ساحات را در شناخت ساختارهای اقتصادی و فرهنگی گذشته مورد تحلیل قرار داده است. همچنان عزیز احمد پنجشیری در اثر خود تحت نام «جغرافیای تاریخی غور» منتشره سال (۱۳۹۱)، با بررسی جایگاه تاریخی این منطقه، زمینه‌ی درک بهتر اهمیت آبدات برجسته‌یی چون منار جام را فراهم نموده و نقش غور را به عنوان یکی از مراکز مهم سیاسی و فرهنگی تبیین کرده است. همین‌طور جلیل غنی هروی نیز در مقاله خویش تحت عنوان «منار جام شاهکاری بی‌نظیر در هنر معماری» منتشره سال (۲۰۲۱)، به گونه تخصصی به بررسی ویژه‌گی‌های معماری، تزیینات و اهمیت تاریخی این منار پرداخته و آن را از شاهکارهای برجسته معماری اسلامی دانسته است. از سوی دیگر محمد حنیف بلخی در کتاب خود تحت عنوان «الام» منتشره سال (۱۳۶۷)، با ارائه روایت‌های تاریخی، برخی از آبدات مهم بلخ را معرفی نموده و جایگاه این منطقه را در تحولات فرهنگی و دینی برجسته ساخته است. همین‌طور میر غلام محمد غبار در اثر خود تحت عنوان «افغانستان در مسیر تاریخ» منتشره سال (۲۰۰۹)، با نگرش قابل‌توجه بستر تاریخی شکل‌گیری تمدن‌ها را بررسی نموده و اطلاعات ارزشمندی در خصوص جریان‌های تاریخی و فرهنگی کشور ارائه کرده است. در حوزه مطالعات آی‌خانم، عبدالظاهر یوسفزای (۱۹۸۴) و پاول برنارد (۲۰۰۴) به بررسی این شهر یونان-باختری پرداخته و عناصر معماری، هنری و فرهنگی آن را تحلیل نموده‌اند که نشان‌دهنده آمیزش تمدن یونانی و محلی در این منطقه است. از جانب دیگر عصمت الله عثمانی در اثر خود «باستان‌شناسی عمومی افغانستان» منتشره سال (۲۰۱۴) و عبدالحی حبیبی در کتاب خود تحت عنوان «تاریخ مختصر افغانستان» منتشره سال (۲۰۱۱)، با نگرش تحلیلی به معرفی ساختارهای شهری، معماری و تحولات تاریخی پرداخته‌اند. از جانب دیگر فهیم کوشا نیز در آثار خود (نگرش برساحات باستانی و تاریخی افغانستان) منتشره سال (۱۳۸۹)، با تمرکز بر ساحات باستانی و تاریخی، اهمیت این آبدات را در هویت فرهنگی و ظرفیت‌های سیاحتی کشور مورد بررسی قرار داده است. در همین‌حال نظر محمد عزیزی در مقاله خود «پیرامون ساحه باستانی شمرق» منتشره سال (۱۳۸۵)، به تحلیل نقش‌برجسته‌های این ساحه پرداخته و آن را بازتاب‌دهنده تعاملات فرهنگی میان کوشانیان و ساسانیان دانسته است. همچنان منابعی چون محمد عثمان صدقی نیز با بررسی جغرافیای تاریخی شهرها» منتشره سال (۱۳۸۵)، جایگاه مراکز مهم تمدنی را تبیین نموده است، البته در جریان این تحقیق تلاش صورت گرفته است تا با استفاده از این منابع، تحلیل جامع‌تری از آثار و آبدات تاریخی افغانستان ارائه گردد و پیوند میان ارزش‌های تاریخی و ظرفیت‌های توسعه یی آن‌ها به گونه علمی روشن ساخته شود.

روش تحقیق

تحقیق هذا از لحاظ ماهیت و اهمیت با در نظر داشت همه ابعاد برجسته‌ی تحقیقی، با استفاده از روش تحلیل محتوا و استفاده از منابع کتابخانه‌یی از مآخذ معتبر داخلی و خارجی بعد از مطالعه، فیش برداری، بررسی و انسجام داده‌ها که ارتباط مستقیم به این موضوع داشت، استفاده گردیده است.

معرفی آثار و آبدات تاریخی افغانستان

افغانستان به عنوان یکی از کهن‌ترین حوزه‌های تمدنی جهان، دارای آبدات تاریخی و آثار فرهنگی بی‌شماری است که هر یک بازتاب‌دهنده دوره‌های مختلف تاریخی، هنری و تمدنی این سرزمین می‌باشد و نقش مهمی در شناخت هویت تاریخی و فرهنگی کشور ایفا می‌کند، از جمله برجسته‌ترین این آثار می‌توان به منار جام ولایت غور اشاره نمود که مربوط به سده دوازدهم میلادی و دوره غوریان بوده و به عنوان یکی از شاهکارهای معماری اسلامی با تزیینات پیچیده خشتی و کتیبه‌های کوفی شناخته می‌شود، همچنان بُت بامیان که در دل صخره‌های ولایت بامیان تراشیده شده است، از بزرگ‌ترین تندیس‌های سنگی جهان محسوب می‌گردد و بیانگر نفوذ آیین بودایی قبل از اسلام در این منطقه می‌باشد.

همین‌طور شهر تاریخی هرات با داشتن بناهایی چون دژ اختیارالدین و مصلی هرات، از مراکز مهم فرهنگی و هنری در دوره‌های مختلف به شمار می‌رود و نمونه‌یی از اوج معماری اسلامی و هنرهای تزیینی در افغانستان است. از سوی دیگر در ولایت غزنی نیز آثار ارزشمندی چون مناره‌های غزنوی و آرامگاه سلطان محمود غزنوی وجود دارد که نشان‌دهنده شکوه دوره غزنویان و اهمیت این شهر به‌عنوان یک مرکز سیاسی و فرهنگی است، همچنان شهر باستانی بلخ که به نام «ام‌البلاد» شهرت دارد، یکی از قدیمی‌ترین شهرهای جهان بوده و دارای آثار متعددی از دوره‌های مختلف تاریخی می‌باشد که اهمیت آن را در شکل‌گیری تمدن‌های کهن نشان می‌دهد، علاوه بر این، ساحات باستانی مانند آی‌خانم در شمال افغانستان که مربوط به دوره یونان-باختری است، نمونه‌یی از تأثیر فرهنگ یونانی در این سرزمین را به نمایش می‌گذارد. این آبدات تاریخی نه تنها از لحاظ فرهنگی و تاریخی ارزشمند است، بلکه به عنوان منابع مهم در رشد اقتصادی نیز مطرح بوده که می‌توانند نقش مؤثری در معرفی افغانستان در سطح منطقه و جهان ایفا نمایند.

منار جام: منار باستانی جام در سال ۵۷۰ هـ ق توسط علی بن ابراهیم نیشابوری با ارتفاع ۶۶ متر ساخته شده و متعلق به دوران امپراتوری غوری‌ها است، بانی آن سلطان غیاث‌الدین ابوالفتح محمد بن سام غوری، بزرگ‌ترین سلطان سلسله‌ی غوریان می‌باشد، وی بین سال‌های ۵۵۸–۵۵۹ ق به مدت ۴۱ سال از نیشابور تا خلیج بنگال در شمال هند سلطنت نمود و نام او به خط کوفی در سه موضع منار جام درج گردیده است. این بنا از نظر معماری از ظریف‌ترین آثار سده‌ی ششم دوره‌ی اسلامی به شمار می‌رود که با استفاده از خشت‌هایی به ابعاد ۲۰ در ۲۰ سانتی‌متر و ضخامت ۵ سانتی‌متر اعمار گردیده و تمام سطوح خارجی آن با خشت تراش، نقوش برجسته و کاشی‌های فیروزه‌یی تزیین شده است، این اثر در فاصله شصت‌ودو کیلومتری شمال‌شرق ولسوالی شهرک، در دره‌یی موسوم به جام، در محل پیوند دریای جام که از جنوب به طرف شمال جریان دارد با هریرود که از شرق به غرب در حرکت است و در نقطه تلاقی این دو دریا قرار داشته و جلب توجه می‌نماید، واقع شده است (هروی، ۲۰۲۱، ص ۱).

منارهای که در قسمت میانی آن مانند کمربندی از کاشی‌های نیلگون قرار دارد، توجه بازدیدکننده‌گان را به خود جلب می‌کند، در اصل به عنوان منار مسجد جامع شهر تاریخی فیروزکوه، پایتخت تابستانی غوریان، شناخته می‌شود، از این‌رو این منار به عنوان یکی از مهم‌ترین آثار برجای مانده از آن مرکز سیاسی و فرهنگی از اهمیت ویژه برخوردار است، این شهر در نتیجه وقوع سیلاب شدید در سال ۵۹۶ ق به گونه گسترده تخریب گردید و بخش‌های عمده آن از میان رفت، همچنان نام و القاب سلطان غوری در کمربند میانی منار با استفاده از کاشی‌های فیروزه‌یی به گونه هنرمندانه درج گردیده که بیانگر شکوه معماری و جایگاه سیاسی آن دوره می‌باشد.

منار جام از حیث عظمت معماری و تزیینات عالی و نوشته‌های کوفی از بزرگ‌ترین و با عظمت‌ترین مناره‌های خشتی در جهان شمرده می‌شود. ناگفته نماند قطب منار دهلی که دارای ارتفاع ۷۳ متر بوده و در زمره‌ی عجائب هفت‌گانه‌ی جهان محسوب می‌شود و این منار نیز از شاهکارهای احفاد غوریان است. بدین اساس از لحاظ قدامت تاریخی معماری آن نسبت به مناره‌های دیگر یعنی قطب منار دهلی و منار بخارا برتری دارد.

سلسله‌ی غوریان این منار باعظمت را در شهر فیروزکوه، پایتخت تابستانی خود، بنا نمودند، فیروزکوه در آن زمان به عنوان یک مرکز پرجنب‌وجوش و پایتخت پرجمعیت شناخته می‌شد که بازدیدکننده‌گان بسیاری را در خود جای می‌داد، این منار دارای دو ردیف راه‌پله است که یکی برای بالا رفتن مؤذن به منظور ادای آذان و دیگری برای پایین آمدن در نظر گرفته شده است؛ اما این شهر مهم در پی حمله مغول‌ها به گونه گسترده ویران گردید و در نتیجه این ویرانی‌ها، فیروزکوه به یک منطقه دورافتاده و کوهستانی مبدل شده است (هروی، ۲۰۲۱، ص ۲).

با این‌حال منار جام به طور کامل از خشت ساخته شده و بر روی یک پایه‌ی محکم و هشت‌ضلعی استوار قرار دارد، این بنا مشتمل بر چهار طبقه می‌باشد و دو پیش‌آمده‌گی گردان که در اصطلاح معماری به آن «نعلبکی یا کم عمق فرو رفته» گفته می‌شود، در فواصل مناسب به صورت دورادور آن را زینت بخشیده است، این نعلبکی‌ها در آغاز با خشت‌های زینتی و نقش‌دار تزیین شده بودند؛ اما در اثر گذشت زمان و عوامل طبیعی بخش عمده‌ی آن‌ها تخریب گردیده و تنها بقایای تیرهای چوبی حامل آن‌ها باقی مانده است، قابل تذکر است که استفاده از چنین نعلبکی‌ها در ساختار منارها در آن دوره یک شیوه‌ی رایج معماری به شمار می‌رفت.

در وضعیت کنونی، ورود به داخل منار از طریق یک دریچه‌ی کوچک که در سمت شمال منار قرار دارد امکان‌پذیر است، حرکت در داخل منار از طریق زینه‌یی صورت می‌گیرد که به صورت مارپیچ به دور یک ستون مرکزی امتداد یافته و بازدیدکننده را به صورت دورانی به سمت بالا و پایین هدایت می‌کند، به نظر می‌رسد این زینه در گذشته تا سطح پایین‌تر نیز ادامه داشته؛ اما در حال حاضر به دلیل ریزش مصالح و انباشت مواد ساختمانی، بخش‌هایی از آن مسدود گردیده و عبور از آن با دشواری همراه است، همین ویژه‌گی سبب شده است که در ساختار منار هیچ دروازه‌ی آشکاری مشاهده نشود، برخی شواهد و روایت‌های تاریخی نیز اشاره دارند که بر اساس یک سنت معماری یا کارکردی، احتمال وجود راهی زیرزمینی از زیر بستر دریا تا داخل قصر وجود داشته که آثار و بقایای آن تا امروز در آن سوی دریا نیز قابل مشاهده می‌باشد (پنجشیری، ۱۳۲۱، ص ۱۹۵).

منار جنبان زادیان (زاهدان): یکی از آثار هنری و باستانی بلخ همین منار است که معروف به منار حضرت صالح می‌باشد و این منار پخته و سر به فلک کشیده که در صحن مسجد جامع زادیان قرار دارد؛ از جمله‌ی عجایب روزگار است و این قریه (زادیان) که در ۴۰ کیلو متری ولسوالی شهر بلخ و در ۱۱ کیلو متری ولسوالی دولت آباد به طرف شرق آن قرار دارد، با گلدسته منار مذکور در بین قریه‌ها و دهات جلوه‌ی خاص دارد و در آغاز فتوحات اسلام در بلخ مسلمانان از قسمت بالایی این منار به خاطر بلند شدن صدای آذان محمدی استفاده می‌کردند (بلخی، ۱۳۶۷، ص ۱۳۳).

زمانی‌که سلطان محمود غزنوی به حیث حکمران و نایب السلطنه‌ی بلخ از طرف پدر خود مقرر بود، به اعمار مجدد این منار اقدام نموده و بعضی هم این منار را از عهد سلجوقیان دانسته اند، به هر صورت در آن دشت پهناور و در جوار آن قریه که دیگر قطعاً آبادی به شکل پخته وجود ندارد حتی پارچه خشت پخته در آن دور و پیش موجود نیست. این منار پخته با سایز و کار ویژه خود گویا تنها مانند تک سرو از دل زمین سبز کرده باشد قد کشیده است و زینهٔ مارپیچی که ۶۳ پله دارد از پایین به بالا رفته و ۴۲ هزار خشت استفاده گردیده به مرور زمان نسبتاً ساییده شده است، مایه‌ی تعجب است در قسمت بالایی منار مذکور یعنی از طرف بیرون همراه خشت به طرز خاصی این جمله‌ی به خط کوفی ثلث نبشته شده که: (**هذا المناره لبناء امیر الاجل یمین الدوله محمود**) در جوار مسجدی که نزدیک این منار قرار دارد، زیر گنبدی قبری به نام مزار حضرت صالح موجود است؛ اما ساختمان قبر مذکور سر به جانب قبله و بر خلاف دیگر مقابر است، در حالی‌که در کتب تواریخ مرقد مبارک صالح «ع» را در این ناحیه حضرالموت یمن می‌گویند و امکان دارد که این قبر یکی از علمای یهود باشد؛ زیرا یهودی‌ها سر قبور را به طرف غرب دفن می‌کنند که در آن سمت بیت المقدس واقع است (بلخی، ۱۳۶۷، ص ۱۴۵).

بعضی نوشته اند که چون آب و هوای بلخ گرم است بیشتر قافله‌های تجارتی که از ساحل آمو دریا حرکت می‌کردند، حرکت شان از طرف شب بود و منار مذکور برای آن ساخته شده بود، تا به منظور رهبری کاروان‌ها از طرف شب در بالای آن آتش می‌افروختند، یا مشعلی روشن می‌کردند تا مسافرین به نشانه‌ی آن رهنمایی شده باشند؛ اما معلوم نیست که حصه‌ی بالایی این منار روی چه علت از بین رفته است به روایتی در زمان نایب الحکومتی نایب محمد علم خان از بین رفته و سبب آن را هم نمی‌دانستند.

مردمی که به تماشای منار مذکور میروند از زینه‌ی داخل آن تا قسمت فوقانی آن بالا می‌شوند و مایه‌ی تعجب آنست که مردم از همان حصه بالایی آن را حرکت می‌دهند و آن منار مانند درخت عرعر«درختی است زیبا و تناور، بلندی اش تا ۲۰ متر می‌رسد...» حرکت می‌کند. (بلخی، ۱۳۶۷، ص ۱۵۰).

آی‌خانم : شهر آی‌خانم ۱۸۰۰ متر طول و ۱۶۰۰ متر عرض داشته بنابرین موجودیت تالارهای بزرگ آن با ستون‌های زیبای سنگی و منقوش، با کنده‌کاری صندوق‌های سنگی مقبره‌ها، مجسمه‌های مرمرین، دیوارهای پر نقش نگار، کتیبه‌های یونانی، صورت و شکل ارباب‌الانواع سالون‌ها (غبار، ۲۰۰۹، ص ۴۸)؛ معبد، جمنازیوم، آمفی تئاتر، منازل، آثار عاجی، کتیبه‌های باختری و یونانی، کوزه‌ها، بشقاب‌ها، کاسه‌ها، جعبه‌های سرپوش‌دار، ظروف‌های قیمتی، دو لوحه ساعت نمای آفتابی (یوسفزی، ۱۹۸۴، ص ۱۱)؛ سکه‌های یونان-باختری، سر ستون‌های کورنتی، انواع مختلف زنجیره‌های طلایی، عاج کندنکاری شده (برنارد، ۲۰۰۴، ص ۵۴) و غیره از تزیینات محلی و عناصر یونانی است که منبع عمده هنر «کوشانی و گریکوبودیک» محسوب می‌گردد.

شهر آی‌خانم دارای شکل مثلثی بوده و مساحت آن ۶۱×۸۱ کیلومتر می‌باشد، این شهر بر روی تپه‌ی هموار با ارتفاع ۶۰ متر موقعیت داشته است (عثمانی، ۲۰۱۴، ص ۱۱۶)، در بخش بالایی آن استحکامات عظیمی قرار دارد که احتمال می‌رود بالاحصار همین شهر باشد و حصاری با برج و بارو به شکل قوسی آن را احاطه کرده که در میان این شهر یک جاده مرکزی به درازای ۱۶۰۰ متر از دروازه شمالی تا دروازه جنوبی امتداد یافته و کوچه‌های آن نیز دیده می‌شود (حبیبی، ۲۰۱۱، ص ۸۲).

علایم مدنیتی را که در این شهر قدیم یافته اند، باید به نام خاص مدنیت «گریکوباختری» یاد کرد که در اثر حمله بادیه نشینان آسیای‌مرکزی از بین رفته و بقایای آن هم سبک معماری عالی را با خشت پخته و ستون‌های سنگی و عمارت بزرگ قصر مرکزی دارای صحن مستطیل و آثار رنگ آمیزی سبز، زرد، سرخ و سیاه نشان می‌دهد و خشت‌های که در آن به کار برده اند؛ هر ضلع آن به ۴۵ سانتی متر با ضخامت ۱۲ تا ۱۵ سانتی متر است و آب این شهر در جویی به قسمت‌های بالای کوچه‌ها و حتی بالاحصار می‌رسید که از فاصله ۲۰ کیلومتری مجرای کوکچه جریان می-یافت، این شهر سه حصه داشت که بالاحصار، پایان حصار و ارگ می‌باشد. در حصص جنوب غربی، محل رهایشگاه مردم و عمارات ورزشگاه و بازارها بوده و از این ورزشگاه مجسمه‌ی هرمس (رب النوع پهلوانی) به دست آمده که آن را قرار کتیبه‌ی مکشوفه تریباه کوس ولد استراستون یونانی به هرمس و هرکول وقف کرده بود (حبیبی، ۲۰۱۱، صص ۸۲-۸۳).

شهر آی‌خانم که احتمالاً حدود ۲۰ سال پایتخت امپراتوری یونان‌باختری بود و در زمان فرمانروایی «اکراتیدس» پهنای قلمرو حکومتش حتی تا شمال هند را در بر می‌گرفت که بیش از ۲۰۰ سال پابرجا بود. بالاخره شهر آی‌خانم در سال ۱۴۵ق.م با هجوم سیتی‌ها و ساک‌ها ویران شد و حکومت یونایی‌ها در جنوب کوه‌های هندوکش ادامه یافت؛ تا این‌که تهاجم یفتلی‌ها باعث سقوط کامل دوره حکمروایی یونانیان از کشور گردید (برنارد، ۲۰۰۴، ص ۵۶).

معماری: یونانیان در عرصه‌ی ساختن قصرها معماران کار کشته و ماهری بودند. البته عده‌یی از آن‌ها توسط اسکندر مقدونی جهت پایه داری امپراتوری اش به کشور باختر آن‌روزه و دیگر نقاط جهان توظیف شده بودند. بدین اساس معماری یونانی زیر بنای تماماً معماری‌های جهان محسوب می‌گردد. البته برای ادعای ما در ساختمان‌ها و اشکال شهرهای اقصا نقاط جهان نشانه‌های دست معماران چهره دست یونانی هنوز هم دیده می‌شود. البته سبک معماری آی‌خانم دارای ویژه‌گی خاص می‌باشد؛ طوری‌که خانه اشراف‌زاده‌ها در ساحات مناسب و از مردمان عادی شهر در قسمت جنوب شهر میان کاخ و دریا قرار داشته است همین طور خانه‌های مستخدمین به شکل گرد مانند که سایر اتاق‌ها را با هم ارتباط می‌دادند؛ ساخته شده است (برنارد، ۲۰۰۴، ص ۴۶).

از جانب دیگر یک تعداد خانه‌های عادی در بیرون از دیوارها کشف شده است که با ابعاد ۷۲ x ۱۰۷ سانتی متر و دو اقامتگاه رهایشی با برخی تغییرات در نقشه حفاری این ساحه ترسیم شده است. البته طرز معماری نشاندهنده پائین بودن و بالا بودن موفق خانواده‌گی و ریاستی می‌باشد. در ضمن باید گفت: معابد که از آی‌خانم کشف شده است، شباهت آن‌چنانی به سبک معماری یونان ندارد؛ بدین اساس اگر واضح گفته شود، در معماری یونانی معابد به شکل دراز افتاده که ساحه مثلث را احتوا می‌نماید، دارای ستون های دوره‌یی می‌باشد که چنین مشخصات در معابد آی-خانم دیده نمی‌شود. مهم‌ترین معبد شهر مربع شکل و هر ضلع آن ۲۰ متر می‌باشد که در جاده‌های عمومی و نقاط مرتفع قرار دارد (عثمانی، ۲۰۱۴، ص ۱۱۸)؛ بدین منظور باید گفت که تزیینات بیرونی با لبه‌های کنگره‌یی و ستون‌های کورنتی از مشخصات خاص ساختمانی آی‌خانم می-باشد. بنابر آن معابد در ارتفاع بلند جاده یا راپله‌های سه طبقه‌یی و ارتفاع ۵،۱ سانتی متر دارای یک راهرو بوده که در اطراف آن اتاق‌های نیایش قرار داشته است. از اطراف دهلیز یک تعداد مجسمه‌های از خدایان یونانی مانند: هیراکلیس، زیوس، آتنه وجود داشته که در پهلوی آز خدایان شرقی به خصوص میترا نیز مورد پرستش قرار گرفته و این بازگو کننده نوع خاص آمیزیش (پرستش خدایان یونانی را با ارباب الانواع شرقی) نشان می‌دهد.

قسمت وسطی شهر آی‌خانم با یک مهارت خاصی که ساحه ۳۰۰ در ۳۰۰ متر را احتوا می‌کند؛ به گمان اغلب طبق سلیقه‌ی سلاطین و دولت-مردان باختری و یونانی ساخته شده است. البته برای رسیدن به این قسمت وسطی شهر بعد از عبور از دروازه شِمالی داخل حویلی بزرگ که طول آن ۵۰،۲۶ متر و عرض آن ۱۷ متر می‌باشد؛ امر ضروری خواهد بود. همچنان در اینجا سالون موجود بوده که در مسائل حیاتی، سیاسی و اداری مردمان شهر نقش مهمی را دارا بوده است؛ شاید هم در اینجا مجلس عالی مشاورین دولتین بر پا می‌شد (کوشا، ۱۳۸۹، صص ۴۵۲- ۴۵۳).

ساحه باستانی شمرق: ساحه باستانی شمرق در سه کیلومتری شهر پلخمری و در سمت چپ دریای پلخمری قرار دارد که در یک صخره بزرگ مجسمه‌ها کنده‌کاری گردیده است که در این مورد نظریات مختلفی وجود دارد:

مجسمه‌های مذکور مربوط به سال‌های ۲۶۰- ۲۷۱ میلادی بوده که دوره کوشانی و ساسانی را دربر می‌گیرد. قرار اظهار نظر پروفیسور گیرنیت باستانشناس فرانسوی شاهزاده شاپور اول بر سر اسب و سه تن دیگر در عقب آن با تیر و کمان شاهزاده شاپور را در شکار حیوانات عظیم الجثه همراهی می‌کنند. در پیشروی شاه ساسانی یکی از شاهزادگان کوشانی قرار دارد که چین لباس آن هم نماینده‌گی از کوشانی‌ها می‌کند، شاید به پذیرایی شاه ساسانی آمده و هم کمک و یاری رسانیدن به شاه ساسانی که حیوان را شکار نماید باشد و شکار امکان دارد بر اساس تحقیق باستانشناسان همان (Garuda) یا مرغ افسانوی باشد. پروفیسور گیرنیت فرانسوی آثار گردن می‌نماید. باید تذکر داد که سرمجسمه‌ها، سر اسب و پای راست پیشرو اسب مذکور تخریب گردیده است (عزیزی، ۱۳۸۵، ص ۸).

دانشمندان کندنکاری مجسمه را تحلیل نموده که این مجسمه‌ها در حقیقت وحدت شکوه دو امپراتوری کوشانی و ساسانی را بازگو می‌نماید همچنان قلمروشان را تا پهنه هندوستان گسترش ساخته اند. درختی در پیشروی آن دو حیوان وجود دارد شبیه درخت هندی (پیل) و در چتر مجسمه‌ها، تحفه دهنده نیز دیده می‌شود که اثر کمی از آن باقی مانده و بقیه تخریب شده است (عزیزی، ۱۳۸۵، ص ۹).

در بُعد توسعه، این ساحه ظرفیت بالایی برای رشد سیاحت دارد. اگر برنامه‌های علمی برای حفاظت، مستندسازی و معرفی آن عملی گردد، می تواند به عنوان یک منبع مهم عایداتی در سطح ملی عمل کند. همچنان توسعه زیرساخت‌ها مانند سرک‌ها، خدمات سیاحت و آگاهی‌دهی عمومی می‌تواند زمینه اشتغال را برای باشنده‌گان محل فراهم سازد و در تقویت اقتصاد منطقه‌یی نقش داشته باشد.

مسجد نه گنبد یا حج پیاده: مسجد نه گنبد یا حج پیاده که در قریه (ده رازی) مربوط ولسوالی بلخ موقعیت دارد، طبق نظر گروهی از باستان‌شناسان، این مسجد قبلاً معبد بودایی بوده که در دوره‌ی اسلامی با اندک تعدیل به مسجد تبدیل گردید؛ اما نظر اغلب بر این است، مسجد نه گنبد یا حج پیاده بنایی است که از قرن ۸م یعنی بین سال‌های ۱۰۷هـ مطابق بر ۷۲۵م یعنی در نیمه‌ی اول قرن هشتم و یا در سال‌های ۱۷۸هـ مطابق بر ۷۹۴م اعمار گردیده است، می‌دانند. مسجد اولیه طرح ساده‌ی اسلامی با ستون‌های چوبی و پوشش گلی مسطح داشت و در قرن ۹م در دوران حکومت سامانی احتمالاً این مسجد توسط حاکمی ثروتمند احیاء گردیده که با حفظ دیوارهای اصلی مسجدی نو در داخل محیط قبلی ساخته شد، تزیینات و طرح آن برگرفته از معماری گریک و بودایی و سامانی است که گچ کاره‌های آن یاد آور شکوه معابد بودایی در بلخ را در خود دارد. البته فعلاً آهن چادری که در بالای آن دیده می‌شود به دستور سردار محمد داوود خان پوشانیده شده است. اکنون این بناء، قدیمی‌ترین مسجد اسلامی در افغانستان است (کوشا، ۱۳۹۶، صص ۱۱۸- ۱۱۹).

تخت رستم: این اثر از جمله‌ی آثار تاریخی افغانستان واقع در ولایت سمنگان بوده که مغاره‌های آن مربوط به دوره بودایی است. البته مغاره-های آن امروزه تقریباً ٪۱۵ ویران شده است، همچنان باید گفت که خود تخت نیز نیاز به بازسازی دارد.

خطه‌ی تاریخی و باستانی سمنگان خاستگاه یکی از دیرینه‌ترین تمدن‌های این مرز و بوم به شمار می‌رود. سمنگان آثار و بناهای قابل‌توجهی دارد که یکی از بناهای تاریخی آن طوری‌که در فوق تذکر داده شد «تخت رستم» می‌باشد. تخت رستم استوپه‌ی سنگی است در دوکیلو متری جنوب شهر ایبک و مرکز ولایت سمنگان که بین ۶۸ درجه و ۳۸ ثانیه طول البلد شرقی و ۳۶ درجه و ۱۰ دقیقه عرض البلد شمالی واقع شده است (کوشا، ۱۳۹۶، ص ۱۲۶).

استوپه‌ی سنگی تخت رستم یکی از برجسته‌گی‌های طبیعی و نمونه‌یی از قدرت معماری به شمار می‌رود که اطراف آن تراشیده شده و به آن شکل استوپه داده‌اند. در این استوپه برای طواف، پیرامون آن را به مانند خندق تراش و حفر نموده و تونل‌هایی به منظور دسترسی به مسیر طواف که محیط آن بالغ بر ۸۵ متر می‌باشد، ایجاد گردیده است. بر روی بدنه‌ی استوپه نیز از خود سنگ بدنه، اتاق کوچکی به منظور نگهداری امانت‌ها و نذورات تراشیده و ساخته شده است، «موسیو فوشه» باستان‌شناس فرانسوی، بر این باور است که پس از تراشیدن این اتاق، کار ساخت استوپه به دلایل نامعلومی متوقف شده و به پایان رسیده است (انجمن آریانا دایره المعارف، ۱۳۳۵ صص ۳۸۵-۳۸۶).

در نزدیکی و پایین استوپه‌ی سنگی تخت رستم، تپه‌ی کوچک دیگری نیز قرار دارد که در آن تعدادی از معابد بزرگ و مجلل دارای دهلیزها، اتاق‌های خواب، سالن اجتماعات، عبادتگاه، حمام و غیره با معماری شگفت انگیز حفر و ساخته شده اند. متأسفانه به مرور زمان برخی از قسمت‌های دیواره‌های آن تخریب شده، رنگ آمیزی و رسامی آن تقریباً از بین رفته، یعنی ضعیف شده است. سموج اول اتاقی مدور بوده و سقف سموج توسط برگ‌های گل نیلوفر تزیین شده است. در مدخل این اتاق رواق بزرگی به ارتفاع سه اعشاریه شصت متر تعبیه شده که مجسمه‌ی بزرگی در آن نهاده شده بود و از پنجره مقابل شعاع آفتاب بر آن می‌تابید (کوشا، ۱۳۹۶، صص ۱۲۷- ۱۲۸).

اتاق دومی هم سموج بوده که مردم محلی در دوره‌های اخیر از آن به عنوان دوکان استفاده می‌کردند. سموج سومی از نظر وسعت و شکل شباهت به سموج اولی دارد و دارای چهار اتاق می‌باشد که پس از آن اتاق مربع شکل شباهت به سموج اولی دارد که این اتاق‌ها توسط دهلیزی به طول ۱۰ متر به هم وصل می‌شوند. سموج چهارم که دروازه‌ی ورودی مستقل دارد، از پنج حجره تشکیل شده است و مردم محلی آن را حمام می-خوانند. سموج پنجمی در کنار سایر سموج‌ها واقع شده و گمان می‌رود که تکمیل نشده باشد تا کنون اطلاع دقیق از تاریخ ساخت و بنای این استوپه در دست نیست؛ ولی احتمال می‌رود که مفکوره تراش و حفر آن در قرن چهارم میلادی پیدا شده باشد (اوپاسکهٔ، ۱۹۸۴، صص ۶۶۴-۶۶۵).

استوپه‌ی سنگی تخت رستم و معابدی که در دل تپه مجاور آن حفر شده یکی از بناهای تاریخی مهم کشور و ولایت سمنگان است که حیرت همگان را بر می‌انگیزند. بنابر این با حفظ و مراقبت و هم‌چنین با نصب ژنراتور و ایجاد روشنایی در داخل دهلیزها و تعلیم راهنماهای محلی می-تواند به یکی از کانون‌های مهم جلب و جذب جهانگردی کشور تبدیل شود (کوشا، ۱۳۹۶، ص ۱۳۰).

ارگ هرات (دژ اختیارالدین): ارگ هرات (مشهور به قلعه اختیارالدین)، بنایی تاریخی در شهر هرات موقعیت دارد. البته اسکندر مقدونی در سال ۳۲۷ ق م هرات را فتح کرد. در آن هنگام از هرات سه راه به طرف شرق، شمال و جنوب می‌رفت (صدقی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۵).

عده‌ی ادعا دارند که اسکندر پس از تصرف شهر ارتاکوانا (هرات امروزی)، در آن‌جا این دژ را برای نظامیان خود ساخت که بقایای آن هنوز باقی است، هدف از ساختن این دژ، حفظ نظامیان از شورش احتمالی مردم شهر در برابر سلطهٔ مقدونی‌ها بود، این بنای عظیم هم اکنون در وسط شهر هرات موجود است، در اواخر دوره محمد ظاهرشاه و دوران سردار داود خان بودجه‌ی برای باز سازی آن اختصاص دادند که در پایان دوره داود خان دو باره احیا و باز سازی شد، برج و باروهای بزرگ این قلعه از دور دست‌ها قابل دیدن است؛ ولی در این اواخر به طور خیلی‌ها منظم باز سازی شده است (کوشا، ۱۳۹۶، ص ۱۹۰).

دژ هرات نخستین دژ استوار منطقه هرات افغانستان است که اهالی آن به راهنمایی شمیره دختر فریدون به منظور رهایی از گزند و باج‌گیری دشمن آباد کردند و در سدهٔ چهارم پیش از میلاد در پی تهاجم اسکندر مقدونی ویران؛ ولی پس از آن به فرمان خود او از نو آباد شد، این دژ دو باره در اثر هجوم چنگیزخان ویران؛ ولی بعداً در عصر فخرالدین ۶۸۷ - ۷۰۶ توسط وزیرش اختیارالدین آباد شده و به نام وی نامیده شد (کوشا، ۱۳۹۶، ص ۱۹۰).

به قول مؤرخ یونانی هرودت، اسکندر مقدونی در ۳۳۰ قبل از میلاد، ارتاکوانا مرکز ساتراپی(والی نشینی) هریوه را گشود، وقتی اسکندر به این شهر آمد، ارتاکوانا شهر آباد و مرفه‌ی بود، ساتراپ (والی) هریوه در آن زمان ساتی برزن نام داشت، اگر چه باشنده‌گان هریوا به سختی مقاومت کردند؛ اما سپاهیان اسکندر مؤفق به فتح شهر شده و آن را ویران و بسیاری از باشنده‌گان آن را به قتل رسانیدند. در سال ۳۱ هـق (حدود ۶۵۰ م) یا کمی پس از آن با وجود مقاومت سرسختانهٔ هروی‌ها، شهر به دست اعراب مسلمان فتح شد (کوشا، ۱۳۸۹، صص ۹۲۴- ۹۲۵).

مصلی هرات : مصلی هرات توسط ملکه گوهر شاد بیگم طرح ریزی گردیده و تحت نظر وی اعمار شده است. مصلی‌های هرات متشکل است از گنبد گوهرشاد، منار مدرسه گوهر شاد، منار مسجد جامع گوهرشاد، چهار منار مدرسه سلطان حسین بایقرا، آرامگاه امیر علیشیر نوایی موجود است که در اثر جنگ‌های چندین ساله و اوضاع جوی آسیب دیده است. البته مصلی، مکانی است که در اعیاد و مراسم بزرگ مذهبی مسلمانان در هوای آزاد برای ادای نماز در آن مکان گرد هم می‌آیند، متأسفانه مصلای هرات در سال ۱۸۵۵م توسط انگلیس‌ها ویران گردید؛ ولی برای اعمار و بازسازی آن اقدام صورت گرفته است (کوشا، ۱۳۹۶، صص ۱۹۲- ۱۹۳).

مصلای هرات در شمال غربی شهر واقع و معروف به مصلی (محل نمازگزاردن) بود، به طور کلی در حوالی شهرهای بزرگ محلی را که مسلمین برای برگزار کردن دو عید بزرگ یعنی عید فطر و عید قربان جمع می‌شوند، مصلی می‌گفتند (کوشا، ۱۳۸۹، صص ۹۲۷).

بنا به گفته میر محمد صدیق فرهنگ تعداد مصلی‌های اصلی هرات پنج پایه بوده که هر کدام آن‌ها به دوره‌های متفاوت تاریخ ما ارتباط دارند؛ مصلی اول را سلاطین کرت هرات بنا نهاده بودند؛ مصلی دومی را امیر تیمور کورگانی ساخته بود و مصلی سوم یاد گار عهد شاهرخ میرزا و چهارمی مربوط به دوران سلطنت سلطان حسین بایقرا می‌باشد، مصلی پنجمی را نیز سلاطین ترک بناء نهاده بودند که بوسیله‌ی سلاطین اول صفویه به

اتمام رسیده است، هر یک از این مصلی‌ها دارای صحن و ایوان و گنبدی، با دو منار مرتفع بودند. میر عبدالکریم بخاری که مصلاهای مذکور را از نزدیک دیده است می‌نویسد: «مصلای هرات از هر جهت خوب حفاظت شده قبه‌ی آن در بلندی و بزرگی به اندازه‌ی گنبد عثمانیه ی قسطنطنیه بوده، سقف کاشیکاری شده‌ی آن پوشیده از گل، برگ و نقش‌های طلایی و لاجوردی است» (صدقی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۸).

سایر آثار باستانی: ساحات باستانی دشتلی، تپه گرد و فرخ آباد، کافر قلعه دولت آباد، دیوارهای کمپیرک و آرامگاه عماته، دلبرجین یا دلبر ژین تپه، آق کپرک (سفید پل)، مسجد خواجه پارسا ولایت بلخ، هزار سُم و قره کمر ولایت سمنگان، طلا تپه و قلعه‌ی دقیانوس (یمچک تپه) ولایت جوزجان، آرامگاه امامزاده یحیی، مغاره‌های هشت صد سم ولایت سرپل، پل مالان هرات، قلعه فریدون شهر کهنه فراه، کافر قلعه (کک کهزاد)، قلعه آهنگران و قلعه بر کوشک ولایت غور، تپه‌ی میسره، زرمست غار، آرامگاه (آنا – آتا) المار، سمج‌ها و مغاره‌های یازی در (بیرکه)، تپۀ کیین قول بلچراغ، جمجمه قلعه دولت آباد ولایت فاریاب، قلعه موریچاق ولایت بادغیس، چهل زینه، شمشیر غار ولایت قندهار، قلعه بست ولایت هلمند، چهل برج ولایت نیمروز، تپه‌ی مزرگه و بالا حصار ولایت پکتیا، شاخیل غوندی (تپه‌ی شاخیل) ولایت ننگرهار، بتکده‌ی سکاوند یا معبد سوناغر، معبد بودایی ولسوالی نرخ، ساحه و آبده‌ی تخت جمشید ولایت لوگر، معبد کوه ارونا و شیوایی‌های ولایت کاپیسا، تپۀ چغان و دره نور ولایت کنر، چم قلعه و سرخ کوتل ولایت بغلان، کانچک تپه، قرغان تپه، ساحه‌ی باستانی قره بایی، درمان تپه، قوش تپه (خوش تپه)، چقلاق تپه ولایت کندوز، شور توغی، دهکده باغحصار و چشمه ترکان ولایت تخار، پل خشتی ولایت بدخشان، شیوکی، اندکی و معبد شیوایی در بالاحصار و باغ بابر ولایت کابل، باغ صد هزار، تپه سردار دشت شاه بهار، نای قلعه و مناره‌های ولایت غزنی، برج‌های گوهرگان (گوهرگی)، بند امیر و پیکره-های بودا و مغاره‌ها، شهر ضحاک ماران و شهر غلغله در ولایت بامیان، خُم زرگر و اسکندریه قفقاز ولایت پروان، معابد و استوپه های دایمیرداد ولایت دایکندی از جمله ساحات باستانی و فرهنگی افغانستان به شمار می‌رود که ظرفیت بالا برای رشد سیاحت دارد و می‌تواند به‌عنوان یک منبع مهم عایداتی در سطح محلی و ملی عمل کند (کوشا، ۱۳۹۶، صفحات متعدد).

یافته‌ها یا نتایج تحقیق

بررسی جامع آثار و آبدات تاریخی افغانستان نشان می‌دهد که این سرزمین از لحاظ تاریخی و تمدنی یکی از کانون‌های مهم شکل‌گیری و تداوم فرهنگ‌های متنوع در منطقه بوده و آثار موجود بیانگر تلاقی و تعامل تمدن‌های گوناگون از جمله یونانی، بودایی، کوشانی، ساسانی و اسلامی است، به گونه‌یی که هر یک از این دوره‌ها نقش مشخصی در غنای فرهنگی و هنری کشور ایفا نموده‌اند، تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که آثاری چون منار جام، آی‌خانم، مسجد نه‌گنبد، تخت رستم و ساحه باستانی شمرق نه تنها دارای ارزش‌های معماری و هنری برجسته اند، بلکه بازتاب دهنده ساختارهای سیاسی، دینی و اجتماعی ادوار مختلف تاریخی نیز می‌باشند، به ویژه منار جام به عنوان نماد شکوه معماری اسلامی و آی‌خانم به عنوان نمونه بارز آمیزش فرهنگ یونانی و محلی، نشان‌دهنده جایگاه افغانستان در مسیر تبادلات فرهنگی و تجارتی منطقه است، همچنان یافته‌ها بیانگر آن است که بسیاری از این آبدات در اثر عوامل طبیعی، جنگ‌ها و عدم مدیریت مؤثر دچار آسیب و تخریب گردیده‌اند که این امر ضرورت توجه جدی به حفاظت و مرمت آن‌ها را برجسته می‌سازد، از سوی دیگر تحلیل نقش این آثار در بُعد توسعه نشان می‌دهد که این میراث‌های تاریخی ظرفیت بلند برای جذب سیاحان، ایجاد فرصت‌های شغلی و تقویت اقتصادی دارند، به گونه‌یی که در صورت مدیریت علمی، مستندسازی دقیق و توسعه زیرساخت‌های مرتبط، می‌توانند به منابع پایدار عایداتی تبدیل شوند، در نهایت، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حفاظت، احیا و معرفی علمی این آبدات نه تنها در حفظ هویت تاریخی افغانستان نقش اساسی دارد، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز توسعه پایدار، تقویت جایگاه بین‌المللی و افزایش آگاهی جهانی نسبت به ارزش‌های تمدنی این کشور گردد.

نتیجه گیری

بررسی محتوای این مقاله نشان می‌دهد که افغانستان نه تنها وارث مجموعه‌یی از آثار تاریخی پراکنده، بلکه دارنده یک نظام پیوسته تمدنی است که در آن لایه‌های مختلف تاریخی به گونه زنجیره‌وار با یک‌دیگر ارتباط دارند و هر اثر بازتاب‌دهنده بخشی از این تداوم فرهنگی می‌باشد، تحلیل نمونه‌های مورد بحث آشکار می‌سازد که تنوع زمانی و مکانی آبدات از دوره‌های قبل از اسلام تا دوره‌های اسلامی، بیانگر پویایی تاریخی این سرزمین و نقش آن در تبادل اندیشه، هنر و ساختارهای اجتماعی در سطح منطقه است، همچنان مطالعه این آثار نشان می‌دهد که بسیاری از آن‌ها علاوه بر کارکردهای دینی و سیاسی، دارای ابعاد نمادین و هویتی بوده‌اند که در شکل‌دهی به حافظه تاریخی جامعه نقش اساسی ایفا کرده است، با این‌حال وضعیت کنونی شماری از این آبدات حاکی از فاصله میان ارزش واقعی آن‌ها و میزان توجه و حفاظت عملی است، از این‌رو می‌توان نتیجه گرفت که آینده این میراث‌ها وابسته به نگرش آگاهانه، علمی و مبتنی بر برنامه‌ریزی درازمدت است، نگرشی که بتواند میان حفظ اصالت تاریخی و بهره‌برداری معقول اقتصادی توازن برقرار نماید، در غیر آن، خطر از دست رفتن تدریجی این سرمایه‌های فرهنگی همچنان پابرجا خواهد ماند و فرصت‌های بالقوه توسعه نیز محدود خواهد گردید.

خلاصه‌ی کلام، با تأمل در مجموعه آثار و آبدات تاریخی افغانستان، به روشنی دیده می‌شود که این سرزمین در گذر زمان بستر بالندگی تمدن‌های بزرگ و گوناگون بوده و هر دوره تاریخی با دست‌آوردهای خاص هنری، معماری و فرهنگی خود در غنای این میراث سهم داشته است، با یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که میراث فرهنگی افغانستان بازتاب‌دهنده اوج تعامل تمدن‌ها و یکی از مهم‌ترین ارکان هویت تاریخی و فرهنگی این سرزمین محسوب می‌گردد که حفظ و توجه به آن، زمینه‌ساز درک عمیق‌تر از گذشته و مسیر آینده خواهد بود.

مآخــذ

انجمن آریانا دایره المعارف. (۱۳۳۵). *قاموس جغرافیایی افغانستان*. جلد اول، کابل: انتشارات مطبعه دولتی.

اوپاسکۀ، سی اس. (۱۹۸۴م). «بعضی از راهبان و معابد بودایی قدیم در افغانستان»، *مجله باستان شناسی*، شماره اول، سال هفتم، مترجم محمد عظیم صفا، کابل: طبع مطبعه دولتی، صص ۶۶۴- ۶۶۵.

برنارد، پاول. (۲۰۰۴م). *«شهرک آی خانم» گنجینه‌های باز یافته افغانستان*. هالند: مطبعه اکسفام نوویب.

بلخی، محمد حنیف. (۱۳۶۷). *الام*. پشاور: قصه خوانی پشاور.

پنجشیری، عزیز احمد .(۱۳۹۱). *جغرفیای تاریخی غور* . کابل: بنیاد فرهنگی جهانداران غوری.

حبیبی، عبدالحی. (۲۰۱۱م). *تاریخ مختصر افغانستان*. چاپ، پنجم، پشاور: انجمن نشراتی دانش.

صدقی، محمد عثمان. (۱۳۸۵). *جغرافیای مختصر تاریخی شهر های آریانا*. کابل: انتشارات امیری.

عثمانی، عصمت الله. (۲۰۱۴م). *باستان شناسی عمومی افغانستان*. کابل: مطبعه کاروان.

عزیزی، نظر محمد. (۱۳۸۵). «محتوای پیرامون ساحه باستانی و با عظمت قریه شمرغ پلخمری» *مجله تحقیقات کوشانی، نرشات اکادمی علوم*، مطبعه میوند، صص ۸- ۹.

غبار، میرغلام محمد. (۲۰۰۹م). *افغانستان در مسیر تاریخ*. کابل: چاپ پنجم، انتشارات میوند.

کوشا، فهیم. (۱۳۸۹). *نگرش برساحات باستانی و تاریخی افغانستان*. جوزجان: خدامات کمپیوتری جهان.

کوشا، فهیم. (1396) *اختصار از باستانشناسی عمومی افغانستان*. بلخ: مطبعه آریانا.

نزهت، محمد نسیم. (۱۴۰۳). «نتایج کاوش های باستانشناسی در ساحه (۰۴۱ جنوبی) مس عینک ولایت لوگر». *مجله علمی تحقیقی* شماره (۴۱ – ۴۲) دوره پنجم. کابل: مرکز تحقیقات باستانشناسی ص ۱۴۱.

هروی، جلیل غنی. (۲۰۲۱م). «منار جام شهکاری بی نظیر در هنر معماری». *آریانا افغانستان آنلاین ملی، سیاسی او ادبی ویب پانه*، ص ۱- ۶.

یوسفزای، عبدالظاهر. (۱۹۸۴م). «آی خانم، شهر یونانو باختری در شمال شرق افغانستان». *مجله باستان شناسی*، سال ششم، شماره اول، ص ۱۱.